

حلب و موصل، مسئله باز ترکیب خاور نزدیک

نویسنده: جولیان ثرون / مترجم: شهباز نخعی / منبع: لوموند دیپلماتیک



حزب فضیلت اسلامی و اتحاد شهروندان حزب رهبری مجلس اعلی اسلامی عراق موضع مشترکی اتخاذ کنند. روابط بین این جنبش های سیاسی تعیین کننده پیوندهای راهبردی قدرت مرکزی با جمهوری اسلامی خواهد بود که با آن روابطی پیچیده دارند.

سازای عملیات روس ها در حلب و دادن اولویت به محور حلب - موصل و یا مقابله با آمریکائیان در رقه (محور متقاطع در طول رودخانه فرات با استان سنی نشین الانبار مرز آن.)

حزب و موصل از نظر تاریخی و نمادین برای آنکارا مهم هستند. این دوشهر در زمان امضای متراکه جنگ جهانی اول در موذروس (1) و اشغال موصل توسط انگلستان در سال ۱۹۱۸ و سپس حلب هم در عهدنامه لوزان در سال ۱۹۲۳ از قلمرو عثمانی جدا شدند. مسئله حاکمیت موصل به بعد موکول شد (و سرانجام به خاک عراق پیوست، در عین حال حلب از آناتولی و میانرودان (بین النهرین) جدا شد. امروزه پیام های آنکارا مهم است: از یک سو اعلام می کند که چشمداشتی به حلب ندارد و از سوی دیگر رفتارهایی در مورد «تجدید امپراتوری عثمانی» برای مشارکت در بازسازی منطقه بر مبنای تاریخی بروز می دهد.

سازای عملیات روس ها در حلب و دادن اولویت به محور حلب - موصل و یا مقابله با آمریکائیان در رقه (محور متقاطع در طول رودخانه فرات با استان سنی نشین الانبار مرز آن.)

سازای عملیات روس ها در حلب و دادن اولویت به محور حلب - موصل و یا مقابله با آمریکائیان در رقه (محور متقاطع در طول رودخانه فرات با استان سنی نشین الانبار مرز آن.)

سازای عملیات روس ها در حلب و دادن اولویت به محور حلب - موصل و یا مقابله با آمریکائیان در رقه (محور متقاطع در طول رودخانه فرات با استان سنی نشین الانبار مرز آن.)

سازای عملیات روس ها در حلب و دادن اولویت به محور حلب - موصل و یا مقابله با آمریکائیان در رقه (محور متقاطع در طول رودخانه فرات با استان سنی نشین الانبار مرز آن.)

سازای عملیات روس ها در حلب و دادن اولویت به محور حلب - موصل و یا مقابله با آمریکائیان در رقه (محور متقاطع در طول رودخانه فرات با استان سنی نشین الانبار مرز آن.)

سازای عملیات روس ها در حلب و دادن اولویت به محور حلب - موصل و یا مقابله با آمریکائیان در رقه (محور متقاطع در طول رودخانه فرات با استان سنی نشین الانبار مرز آن.)

سازای عملیات روس ها در حلب و دادن اولویت به محور حلب - موصل و یا مقابله با آمریکائیان در رقه (محور متقاطع در طول رودخانه فرات با استان سنی نشین الانبار مرز آن.)

دربس انگیزه های «ضد تروریستی»، کم و بیش واقعی، نیروهای آشتی ناپذیر درگیر در نبردهای پیرامون حلب و موصل، همگی مصمم به باز ترکیب منطقه هستند. حلب و موصل به دو کانون عمده درگیری های ویرانگر خاور نزدیک تبدیل شده اند. دلیل این امر آنست که در شرق و غرب این منطقه در روندی ملو از خشونت ، این دوشهر آشیانه نیرومند ترین جهادگران منطقه شده اند: جبهه «فتح الشام» و «سازمان حکومت اسلامی» (داعش). این دو جریان بر بستر شرایط مساعدی رشد یافته اند که سرکوبگری دو حکومت اقتدارگرای پشار اسد و نوری المالکی، هردو نزدیک به تهران، بوجود آوردند.

نیروهای پر شمار متخاصم گرد این دوگه گاه درگیری، انگیزه و هدف هایی متفاوت دارند. «داعش» در موصل و جبهه «فتح الشام» در حلب راهبردهایی متفاوت را دنبال می کنند. با آن که داعش در حال تغییر راهبرد خویش است، که از ماهها پیش اعلام شده و شامل عقب نشینی و حملات پراکنده و گاه به گاه (کرکوک، رتبه، سنجان، قطاع) است، فعالیت هایش همچنان در دیدگاهی جهانی قرار دارد. جبهه «فتح الشام»، جبهه «النصره» سابق به نوبه خود در جهتی معکوس رسماً القاعده را ترک نموده و به حکومت در سرزمین های تسخیر شده خویش در محدوده سوریه اکتفا کرده است. تفاوت راهبردی دیگر این دو این است که داعش از اتحاد با نیروهای دیگر خودداری می کند، در حالی که جبهه فتح الشام می کوشد نیروهای شورشی را گرد خود جمع کند و این امر با توجه به این که گروه های معتدل تر از حمایت بین المللی کمی برخوردارند، کم و بیش با توفیق قرین است.

نیروهای تعیین کننده هستند. جبهه فتح الشام مهم ترین کارت خود را در شرق حلب بازی می کند جایی که این گروه نقش رهبر مقاومت سنی ها علیه نیروهای موئل حامی رژیم سوریه را بازی می کند. داعش که در موصل سنگر گرفته، نیروهای محلی و بین المللی را متوقف کرده و در تدارک گام های بعدی است.

شمال سوریه «کلید» شمال سوریه پیرامون حلب، نیروهای خیلی ناهمگون نزدیک به رژیم سوریه (سوری، لبنانی، افغان و عراقی) که توسط ایران و روسیه حمایت می شوند تاکنون به رغم بمباران های گسترده سوری - روسی به نتایجی نه چندان مهم دست یافته اند. هدف آنان سقوط حلب است، شهری که کلید شمال سوریه به حساب می آید و بدون آن قلمرو تحت کنترل رژیم سوریه نمی تواند «من» شود. با آن که به نظر می آید که مسکو می خواهد روسی غرب سوریه که منافش در آن قرار دارد تمرکز کند، دمشق نگاه به شرق (رقه، دیرالزور، حسکه) دارد تا بتواند کل قلمرو کشور را از نو در اختیار بگیرد. تهران هم خواهان اتصال سرزمین های لبنان، سوریه و عراق تحت کنترل نیروهای مختلف تحت نظر نیروهای سپاه پاسداران است که برایش چشم اندازی فوق العاده است.

آمادگی برای سالی دیگر

محمد رضا هویدا

افغانستان یک سال حساس و سرنوشت ساز را سپری کرد. حوادث مهمی در این سال برای افغانستان رخ داد که مهم و سرنوشت ساز بودند. در این سال، جغرافیای جنگ به شمال کشیده شد و با سقوط چندین ولسوالی و ولایت به دست طالبان به اوج خود رسید. طالبان همچنان به عنوان یک تهدید جدی در مقابل دولت افغانستان باقی هستند و از قدرت بیشتری برخوردار شده اند. حملات انتحاری بر امکان نظامی و ملکی با خصوصیت تلفات وسیع نیز در دستور کار طالبان بوده است.

اما مهمترین بخش تحولات امنیتی افغانستان، قدرت یابی گروه تروریستی داعش در بخش هایی از کشور است. گروه تروریستی داعش با هم عهد گرفتن چندین حمله تروریستی بر اماکن مقدس و مراسم مذهبی، حضور جدی خود را در افغانستان تثبیت کرد. هر چند نهادهای امنیتی و دولتی افغانستان از عملیات هایی علیه این گروه تروریستی خبر دادند و مدعی هستند که ضربات جدی بر پیکر این گروه تروریستی وارد کرده اند، ولی گزارش های مختلف نشان می دهد که داعش همچنان در افغانستان حضور دارد و در حال سربازگیری و گسترش قدرت خود است.

سیاست خارجی افغانستان در این سال فراز و فرودهای جدی داشته است. با آنکه در سال اول حکومت وحدت ملی، سفرهای رئیس جمهوری به کشورهای مختلف از جمله چین، عربستان، پاکستان، هند و... صورت گرفت و دولتمردان بارها از این کشورها خواستند تا برای صلح و ثبات کشور کمک کنند، اما آنچه در پی آن به وجود آمد، خلاف آن را ثابت کرد. هیچ یک از این کشورها نخواستند و یا نتوانستند کمکی به صلح افغانستان بکنند، و جنگ با شدت و حدت تمام ادامه یافت. ناامیدی دولت افغانستان از شماری از این کشورهای، افغانستان را وادار کرد تا به اقدامات جدی ای دست بزند، از جمله اینکه افغانستان با کمک کشورهای دیگر تلاش جدی را برای تحت فشار قرار دادن پاکستان روی دست گرفتند. افغانستان ادعا کرد که در انزوای پاکستان در جامعه بین المللی موفق بوده است. کشورهای دیگری نیز چون روسیه و ایران نقش بیشتری یافتند. گزارش ها و اظهارات ضدو نقیضی از ارتباط روسیه با طالبان نیز به نشر رسید. در آخرین مورد نشست مسکو با حضور پاکستان، ایران و روسیه افغانستان را وادار نمود تا به این موضوع جدا واکنش نشان دهد و ناراحتی خود را به رسماً اعلام نماید.

در عرصه سیاست داخلی، تقابل قوای مقننه و مجریه با پان ناگواری برای این سال رقم زد. استیضاح گروهی اعضای کابینه توسط پارلمان و رای عدم اعتماد به شماری از وزرا، سبب واکنش قوه مجریه شد. حکومت موضوع به ستره محکمه محول نمود و وزرای سلب صلاحیت شده را به عنوان سرپرست، به ادامه کار دستور داد. رد شدن طرح بودجه ملی سال ۱۳۹۶ از سوی پارلمان نیز به عنوان یک اهرم فشار و وسیله ای برای انتقام ولسی جرگه از قوه مقننه تفسیر شد. ویژگی دیگری که در این سال در عرصه سیاست داخلی کشور دیده می شد، اختلافات میان دولتمداران، نهادها و ارگان های دولتی بود. اختلافات میان ریاست جمهوری و ریاست اجرائیه، اختلافات میان شخصیت های سیاسی که بارها به اوج خود رسید، تبعات منفی زیادی را برای کشور داشت.

سال ۲۰۱۶ میلادی یکی از سخت ترین سالهای حکومت های بعد از طالبان در افغانستان بوده است. اما این سال در عین حال با تحولات بزرگی که در جهان به وجود آمده است، برای افغانستان مقدمه ای برای یک سال مهم دیگر است. پیروزی ترامپ در امریکا، تحولات منطقه ای و جهانی در ارتباط ایران، ائتلاف ها و اختلاف های منطقه ای و جهانی در مورد سوریه، شکست ها و جایجایی های گروه تروریستی داعش همه از یک سال پر تنش و سرنوشت ساز دیگر خبر می دهد. افغانستان باید سال ۲۰۱۶ را خوب بررسی و تدقیق کند و برای سالی دیگر آمادگی بگیرد.

نوسازی سیاسی، ابزار توسعه پایدار

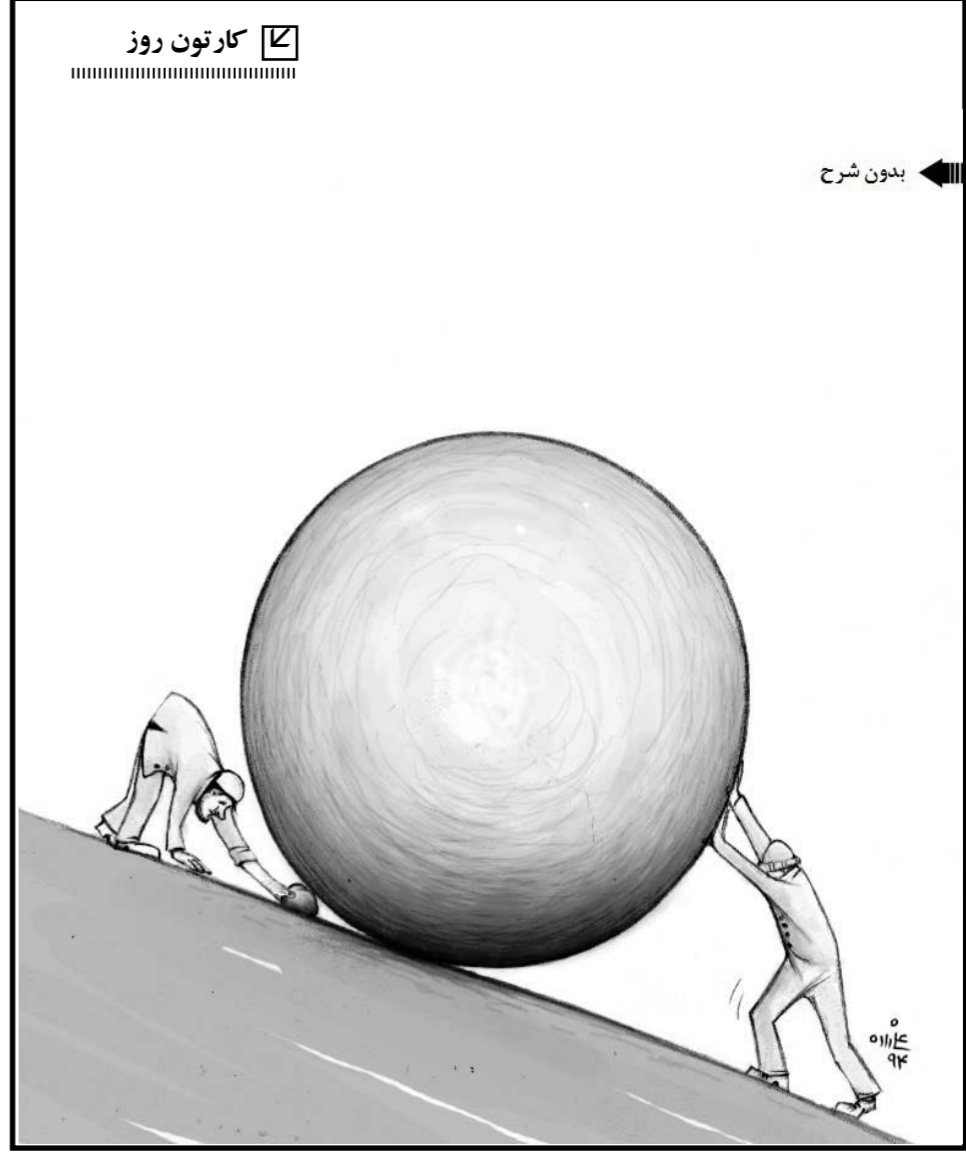
سینا آذرگنیشب / قسمت اول

متعددانه عنوان کرد. اما مشکل اصلی و اساسی بر سر اجرای چنین برنامه ای در مورد کشورهایی که به عنوان کشور غریب محسوب می شدند نظریاتی را تدوین نمایند. ارائه نظریاتی با عنوان نوسازی در واقع اشاره به وضعیت و شرایط عینی جامعه داشت. شرایطی که اشارت آن بر شاخصه هایی چون میزان صنعتی شدن جامعه، میزان رشد علم در میان افشار طبقات مردم ، میزان شهری شدن زندگی های اجتماعی ، میزان بهبود در کیفیت زندگی شهری ، بوجود آمدن سیستم های حکومتی مدرن و به طوری کلی تغییرات و مولفه های قابل لمس و عینی در فضای زندگی اجتماعی می بود اما رویکرد توسعه گرا عملکردی فراتر از مسائل عینی بود در واقع توسعه گرای به ایجاد ظرفیت های لازم در جهت بهبود کارایی سیستم به منظور پاسخ گویی هر چه بهتر و مناسب تر به درخواست های غیر ثابت افراد تحت حاکمیت یک سیستم بود ، سیستمی که بتواند خواسته های روز افزون افراد را به صورت تعددانه تر و با کیفیتی بهتر پاسخ گوید.

حالی گذار یا جهان سوم است. اصولاً توسعه پدیده است چند بعدی که تا مجموع شرایط آن برای به تحقق پیوستن محقق نگردد نمی توان انتظار داشت میوه های چنین پروسه ای به ثمر برسد. تلاش در جهت تحقق چنین فرایندی به دور از چالش و بحران نخواهد بود، بحران هایی که ناشی از تحول در نظام اجتماعی و سیاسی رخ خواهد داد می تواند دستاورد های توسعه ای را دستخوش دگرگونی و انحراف از مسیر فرایند توسعه و نو سازی جوامع کرده و حتی گاه دستاورد های این فرایند را با بازگشت به عقب از میان برده و یا دچار وقفه تاریخی نماید.

چکیده رسیدن به توسعه بدون فرایند نوسازی تحولی غقیم و نافرجام است. نوسازی در کشورها با هدف تحول در سیستم اجتماعی و سیاسی و اقتصادی آنان به منظور رسیدن به یک جامعه مدرن ، بسا ثبات و قدرتمند خالی از چالش نیست. لذا رسیدن به توسعه ای پایدار نیازمند بررسی چالش ها و بحران های پیش روی این مسیر بر فراز و نشیب است تا بهره گیری از مولفه های توسعه ای ظرفیت های موجود در سیستم اقتصادی و سیاسی - اجتماعی را افزایش داد.

مطلب پیش رو سعی کرده است تا با استفاده از آرای برخی از اندیشمندان حوزه توسعه ، نوسازی سیاسی را به عنوان مولفه ای از مولفه های توسعه ای برای رسیدن به توسعه پایدار مورد بررسی قرار دهد.



روزنامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

بنیان گذار: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتوربست: خالق علی زاده

دبیران: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

The Daily Afghanistan Ma
Daily Outlook
AFGHANISTAN
The Leading Independent Newspaper